



بررسی عوامل تکرار جرم نوجوانان بزهکار استان تهران در پرتو جرم‌شناسی تعامل‌گرا^۱

قاسم قاسمی^۲
مونا کیهان‌پور^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۱/۰۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۰۲/۲۷

چکیده

برچسب زنی و ایجاد خودانگاره مجرمانه در فرد متهم و یا محکوم طی فرایند کیفری، مطابق یافته‌های جرم‌شناسی تعامل‌گرا، سبب پایداری فرد در بزهکاری و نهایتاً تکرار بزه می‌شود. اطفال و نوجوانان بصورتی ویژه در برابر فرآیند مزبور، به دلیل عدم پرورش کامل هویت و شخصیت این گروه سنی و همچنین احتمال بالای عکس‌العمل و نحوه برخورد این گروه به واکنش‌های اجتماعی رسمی، نسبت به دیگر اقشار جامعه آسیب‌پذیرترند. از این‌روی مقاله حاضر به بررسی عوامل تکرار جرم نوجوانان بزهکار استان تهران در پرتو جرم‌شناسی تعامل‌گرا تمرکز دارد. جامعه آماری مورد مطالعه در تحقیق حاضر، تعداد ۶۰ نفر از مددجویان کانون اصلاح و تربیت استان تهران در سال ۱۳۹۴ می‌باشد که سابقه تکرار جرم داشته‌اند و هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیرات برچسب زنی اعم از رسمی و غیر رسمی بر تکرار جرم جامعه آماری مذکور است. اطلاعات جمع‌آوری شده، با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی و به وسیله نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و با استفاده از آزمون رگرسیون و ضریب همبستگی پیرسون، رابطه میان متغیرهای مستقل مورد مطالعه با متغیر وابسته

^۱ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی با راهنمایی نویسنده مسؤل با عنوان "بررسی عوامل تکرار جرم نوجوانان بزهکار استان تهران در پرتو جرم‌شناسی تعامل‌گرا" می‌باشد.

^۲ دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، استادیار دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

Email: ghassem.ghassemi@gmail.com

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: mona.keyhanpour@gmail.com

تکرار جرم، مورد بررسی قرار گرفته است. از مهمترین نتایج بدست آمده در تحقیق حاضر می‌توان به این امر اشاره نمود که بطور کلی میان برخوردهای خانواده و اجتماع و همچنین مراجع قضایی با نوجوان، پس از محکومیت نخست و ارتکاب مجدد بزهکاری، رابطه مستقیم و معنادار در سطوحی متفاوت وجود دارد. در میان متغیرهای مستقل مورد مطالعه، متغیر تهمت غیر رسمی از طرف خانواده بیشترین تأثیر و متغیر تحقیر و تمسخر مأموران رسمی و انتظامی، کمترین تأثیر را بر متغیر وابسته تکرار جرم داشته‌اند. داده‌های این تحقیق با ادعای نظریه پردازان جرم‌شناسی تعامل‌گرا، مبنی بر تأثیر برجسب‌های منحرف (اعم از رسمی و غیررسمی) بر افزایش احتمال درگیری در بزهکاری، سازگار است.

کلید واژه‌ها

برجسب‌زنی رسمی و غیر رسمی، تکرار جرم، نوجوان بزهکار

مقدمه

بر اساس نظریه برجسب زنی، یکی از دلایل اساسی گرایش به تکرار جرم در جوامع، زدن برجسب انحراف به افراد است. برجسب انحراف پیامدهای منفی زیادی، بر افراد می‌تواند داشته باشد زیرا نه تنها به صورت مستقیم منجر به تشدید و تکرار جرم در جامعه می‌شود، بلکه به طور غیرمستقیم باعث تحریم اجتماعی در ابعاد وسیع برای مجرمان می‌باشد، که از این طریق نیز به صورت غیرمستقیم نقش ویژه‌ای در گرایش افراد به تکرار جرم دارد. این عقیده که وقتی یک فرد از سوی دیگران در قالب خاصی توصیف شود، در نتیجه فشار اجتماعی به تغییر ادراک از خویشتن و رفتار خود دست خواهد زد تا با این تعریف هماهنگ گردد، نخستین بار توسط اریکسون، جرم‌شناس امریکایی در سال ۱۹۶۲ در کتاب «تأیید بزهکار» مطرح گردید، (اسماعیلی ۱۳۸۵، ۵۶).

به نظر جامعه‌شناسان، مکانیسم‌های مختلف کنترل اجتماعی به شکل رسمی و غیر رسمی نقش‌سازنده‌ای در پیشگیری و کنترل انحراف اجتماعی و جرایم دارد ولی اگر این کنترل‌ها به خوبی صورت نگیرد منجر به تولید انحراف و جرائم اجتماعی در جامعه می‌شود. اکثر این کنترل‌ها با زدن برجسب گوناگون به افراد انجام می‌گیرد و به شکل تحقیر، تهمت، توهین، سرزنش و بدنامی ظاهر می‌گردد فلذا شکل‌گیری هویت انحرافی در نوجوانان از پیامدهای بارز و عینی این نوع برجسب‌ها می‌باشد، (اسماعیلی ۵۶، ۱۳۸۵).

در همین راستا، در کنار کنترل اجتماعی غیر رسمی، نهادهای عدالت کیفری به عنوان ابزارهای سازمان یافته کنترل اجتماعی رسمی، در فرآیندی که از طریق آن، شخص به سمت

پذیرش تصویری مجرمانه از خود می‌رود، نقش به‌سزایی دارند، (قدیری ۱۳۸۸، ۸۰). طرفداران نظریه برچسب‌زنی، به‌طور ویژه تأثیرات منفی برچسب زنی متولیان رسمی نظام عدالت کیفری را در حوزه تشکیلات قضایی اطفال و نوجوانان مورد بررسی قرار داده‌اند. بنابراین، هنگام دستگیری کودک یا نوجوان در اداره پلیس و در ادامه، در مرحله تحقیقات مقدماتی و سپس مرحله محاکمه در دادگاه، چنانچه رفتار کنشگران این نهادها با طفل یا نوجوان، کرامت مدار نباشد، می‌تواند زمینه تکرار جرم را در آنها فراهم آورده و آثار کمانه‌ای فراوانی برای فرد و جامعه به‌همراه داشته باشد.

نوجوانان به دلیل عدم تکامل شخصیتی، در برابر واکنش‌های برچسب‌زننده در مقابل اعمال خویش بسیار تأثیرپذیر می‌باشند. مطابق برخی تحقیقات زمان آغاز بزهکاری، مهمترین معیار برای ادامه حرفه مجرمانه است. بزهکاری که ارتکاب جرم خود را، در زمان کودکی و نوجوانی آغاز نموده و نسبت به عکس‌العمل اجتماعی در قالب برچسب مجرمانه‌ای که به او زده شده است نیز حساس بوده است، بیشتر از دیگران حرفه مجرمانه خود را ادامه خواهد داد، (غلامی ۱۳۸۲، ۲۹۵). با توجه به این مطلب به نظر می‌رسد لازم و ضروری است که نظریه برچسب زنی به صورت مستقیم مورد آزمون قرار بگیرد. از این‌روی پژوهش حاضر درصدد بررسی و اثبات فرضیه‌های زیر می‌باشد:

- ۱- به نظر می‌رسد نحوه برخورد نهادهای مختلف عدالت کیفری شامل پلیس، قضات دادگاه و نهادهای اجرای مجازات بر شکل‌گیری هویت مجرمانه در نوجوانان و به تبع آن بر تکرار جرم نوجوانان تأثیرگذار هستند.
- ۲- به نظر می‌رسد اجتماع، خانواده، دوستان و اطرافیان نوجوان بزهکار با زدن برچسب بزهکار به وی و از طریق تحقیر، تمسخر، تهمت، توهین، سرزنش و طرد نوجوان در شکل‌گیری هویت مجرمانه و پذیرش آن و نهایتاً تکرار جرم از سوی او نقش دارند.

۱. طرح مساله

واکنش جامعه و خانواده در قبال نوجوانان بزهکار مسأله قابل توجهی است که از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و می‌تواند به‌گونه قاطع، سرنوشت نوجوانان را در آینده رقم بزند. واکنشی نامناسب و به دور از عقل و منطق از آنان بزهکارانی حرفه‌ای درآینده خواهد ساخت، درحالی که واکنشی مناسب و شایسته آنان را مجدداً به آغوش جامعه بازخواهد گرداند. به نظر می‌رسد کسانی که دارای بدترین پیش‌زمینه‌ها هستند و نیز آن‌هایی که در دوران نوجوانی

بیشترین نرخ تکرار جرم را داشته‌اند، بیش از بقیه ممکن است دارای منش‌های مجرمانه شده و زندگی آنان در بزرگسالی توأم با جرایمی باشد که منجر به تحمل مکرر حبس در زندان شود. با الهام از این رویکرد نظری، مسأله اساسی در پژوهش حاضر، بررسی تاثیر منفی برجسب زنی، اعم از رسمی و غیر رسمی بر تکرار جرم مددجویان کانون اصلاح و تربیت استان تهران در سال ۱۳۹۴ است.

۲. چارچوب نظری

همانگونه که در قسمت نخست گفته شد این پژوهش با استفاده از رویکرد نظری برجسب زنی که ریشه در نظریه تعامل نمادین دارد انجام یافته است. مطابق نظریه تعامل نمادین "من" یا خودانگاره^۱ در هر فرد در تعامل با جامعه شکل می‌گیرد. به این ترتیب، در واقع افراد در بیشتر مواقع آنچنان رفتار میکنند که دیگر افراد جامعه از آنها انتظار دارند. در نتیجه برجسب و یا عنوانی که دیگران به فرد می‌دهند تاثیر بسزایی در شکلگیری شخصیت و رفتارهای وی دارد. طراحان اصلی این نظریه کولی و مید هستند^۲ (Charles h. Cooley 2009 xxi).

۲.۱. برجسب زنی رسمی

یکی از محورهای اصلی نظریه برجسب‌زنی، آثار دخالت نهادهای کیفری اعم از پلیس، دادسرا و دادگاه و نهادهای مجری حکم، نظیر کانون اصلاح و تربیت و ... و برجسب خوردن فرد مجرم است.

برای نمونه ادوین شور در این خصوص یادآور می‌شود که مداخله دولت در مقابله با بزه‌کاری نوجوانان سبب تقویت کجروی می‌شود. چون فرآیند کنترل رسمی رفتار، صرفاً نوعی منزلت رانده‌شدگی را برای کجرو تثبیت می‌کند و با بدبین ساختن او نسبت به نظام هنجاری موجود، یا با زدن برجسب کجرو بر او، راه را برای ورود به عرصه‌های جرم بازتر می‌کند، (D.krohn & bernburg 2006, 75). رفتن به دادگاه و به سختی از سوی قاضی سرزنش شدن و نیز خوانده شدن اتهامات و مجرم شناخته شدن بعد از جریان محاکمه برای نوجوانی که مرتکب قانون شکنی شده، همگی شرایطی هستند که مراسم بدنامی و بی‌آبرویی موفق را به انجام می‌رسانند که در این رابطه، تماس هرچه مداوم تر و قطعی‌تر با دادگاه، احتمال پذیرش برجسب

¹ Self Image

² Charles Horton Cooley and George Herbert Mead

بزهکاری را به عنوان هویت شخصی افزایش می‌دهد. ادبیات و نحوه برخورد مسئولان و متولیان نظام عدالت کیفری با نوجوانان معارض قانون، می‌تواند در بزهکاری ثانویه آنها تأثیرگذار باشد. به نظر می‌رسد وقت آن است که از یک تغییر ادبیات اصولی و علمی در برخورد با جرایم اطفال و نوجوانان سخن به میان آید. باید بپذیریم که وقتی صحبت از کودک و نوجوان می‌شود، فضای برخورد، واکنش و گفتار باید متناسب با چارچوب سنی و شخصیتی این قشر تغییر یابد. همانگونه که به جای استفاده از واژه‌هایی نظیر «بزهکار» و یا «مجرم» عنوان «معارض قانون» پیشنهاد شده است. استفاده از واژگانی چون «نقض قانون» و یا «زیر پا گذاشتن قوانین» مناسب‌تر از بزه و جرم، به نظر می‌رسد. حتی شاید بتوان جایگزینی برای لغاتی چون دادسرا، دادگاه و حتی پلیس (ولو پلیس ویژه اطفال و نوجوانان) یافت، تا از اثر برجسب زنانه آنها کاسته شده و تا حد ممکن از شکلگیری خودانگاره‌های مجرمانه جلوگیری نمود.

در رابطه با آثار سوئی که تجربه ارتباط رسمی نوجوان با پلیس در شکل‌گیری هویت مجرمانه و تکرار جرم می‌تواند داشته باشد، «کمپ کیمبرلی»^۱ در تحقیق خود که به سال ۱۹۸۶ انجام داده است به نتایج جالب توجهی دست یافت. نتایج تحقیق او حاکی از آن است که جوانانی که تجربه ارتباط رسمی با پلیس، به خاطر ارتکاب جرم را نداشته‌اند، کمتر احتمال متهم شدن به ارتکاب جرم در دوره جوانی - بزرگسالی را نسبت به جوانانی که چنین ارتباطی با پلیس پیدا کرده بودند دارند. به علاوه در میان بزهکاران بزرگسال، تعداد بسیاری از افراد یافته شده‌اند که پیش از سن ۱۸ سالگی سابقه یکبار یا تعداد بیشتر ارتباط با پلیس را داشته‌اند و لذا بیشتر از دیگران در بزرگسالی مرتکب جرم شده‌اند، (غلامی ۱۳۸۲، ۶۲). بنابراین با توجه به این تحقیق می‌توان گفت که ارتباط با پلیس در سنین پایین و نوجوانی، به دلیل آنکه شخصیت نوجوان در مراحل اولیه شکل‌گیری است، تا چه اندازه می‌تواند مخرب باشد. به عبارت دیگر اگر پلیس در زمان دستگیری نوجوان برخوردی مناسب و شایسته با او نداشته باشد به گونه‌ای که او را تحقیر کند و یا مورد ضرب و شتم قرار دهد، احتمال تحقیر شخصیتی و تخریب هویتی وی بیشتر می‌گردد و این امر خود سبب می‌شود تا اینگونه نوجوانان درآینده به مشتریان نظام عدالت کیفری تبدیل شوند.

۲.۲. برجسب زنی غیر رسمی

^۱ Kempf Kimberly

برچسب زنی غیر رسمی به واکنش‌های عوامل اجتماعی نظیر والدین، همسایه‌ها و دوستان گفته می‌شود که فرد را به عنوان شخص خاطی با لقب بزهکار یا متخلف، به دیگران معرفی می‌کند. برچسب غیر رسمی ممکن است به سه نتیجه منتهی شود:

- ۱) برچسب غیر رسمی ممکن است به برچسب رسمی منجر شود، (واکنش‌های قضایی).
- ۲) برچسب غیر رسمی ممکن است تمام زندگی فرد را تحت الشعاع قرار دهد.
- ۳) برچسب‌های غیر رسمی ممکن است به اهرم‌های فشاری تبدیل شوند که فرد به رفتارهای انحرافی بیشتر در آینده متمایل شود، (زانگ و همکاران ۱۹۹۷، ۱۳۷).

اگر نوع نگاه و تصورات والدین، دوستان و اطرافیان از نوجوان به گونه‌ای باشد که صفتی منفی را به وی نسبت دهد، این امر بر نوع نگرش افراد دیگر نیز نسبت به نوجوان مؤثر بوده و تمامیت فردی او را زیر سؤال می‌برند. برای مثال در صورتیکه ارزیابی والدین از نوجوان این باشد که تو همیشه مشکل‌ساز و دردسرافزین هستی، بدین شکل علاوه بر اینکه تفکر برچسب‌زندگان و شاهدان برچسب زنی متأثر می‌شود، منجر به فرآیند خود برچسب‌زنی در نوجوان نیز خواهد شد. از این روی یکی از شاخص‌هایی که برچسب‌زنی غیر رسمی در پژوهش حاضر با آن مورد سنجش قرار گرفته است، تحقیر از سوی خانواده است. خانواده اولین مکانی است که فرزندان در آن ممکن است مورد تحقیر قرار گیرند. گفتن واژه‌ها و کلمات تحقیرآمیز حتی از دوران کودکی در سازمان شخصیتی فرزند اثر گذاشته و او را به سوی فرسودگی و بی‌کفایتی سوق خواهد داد. سرازیر کردن کلمات تحقیرآمیز بر نوجوان، جرأت عرض اندام و رفتار سالم را از وی می‌گیرد. اگر این سخنان تحقیرآمیز زیاد تکرار شوند، نوجوان آن را می‌پذیرد و همان احساس و رفتار در او ایجاد خواهد شد. روانشناسان عامل حقارت را در بیماری‌های روانی، انحراف‌های اجتماعی و بزهکاری بسیار مهم و دخیل می‌دانند.

همچنین الصاق برچسب مجرم و ارزیابی‌های منفی والدین، خویشان و دوستان از نوجوان بر طرز تلقی وی از خود نیز اثرگذار است؛ به گونه‌ای که سرانجام کجروی می‌تواند محور هویت وی گردد. در پی محکوم سازی فرد نوجوان در فرآیند برچسب‌زنی، شاید احساس ناامنی و اضطراب در او، رفتارهایی را موجب شود که انتظار برچسب‌زندگان را برآورده می‌سازد. نوجوان، بسته به وضوح برچسب، شیوه و شدت اعمال آن، هویت خویش را از نو ارزیابی و خود را به عنوان منحرف شناسایی می‌نماید و به پیشه‌های مجرمانه تمایل می‌یابد. به فرآیند پذیرش برچسب و اتخاذ هویتی متناسب با آن از سوی شخص، «خودبرچسب زنی» گفته می‌شود؛

فرآیندی که طی آن، کسی که در معرض ضمانت اجراهای اجتماعی منفی و انگ زنی‌هاست، حالتی از «خودطردی»^۱ و «خودانگاره پست‌تر»^۲ را تجربه می‌کند. بدین لحاظ عامل مهمی که در پژوهش حاضر مورد آزمون قرار گرفته است، داشتن تصور فرد خلافکار از خود است. در واقع ارزیابی فرد کجرو از خود، بازتاب ارزیابی‌های دیگران از اوست. کسانی که خود را به عنوان منحرف می‌بینند، پاسخی درونی به تصورات خود از نحوه احساسات والدین و اطرافیان ارائه می‌دهند.

۲.۳. آسب شناسی وضعیت خاص نوجوانان در برابر برچسب زنی رسمی

به دلیل آنکه نوجوانان به جهت شرایط خاص سنی و عدم تکامل شخصیتی در برابر برچسب‌های وارده آسیب پذیر هستند و از سوی دیگر به این دلیل که جرم شناسی تعامل‌گرا بیشتر به نقش و تأثیری که برچسب زنی رسمی بر تکرار جرم نوجوانان دارد، توجه دارد؛ لذا اهمیت پرهیز از برچسب زنی رسمی درخصوص این گروه سنی حساس و آسیب‌پذیر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲.۳.۱. شکل‌گیری شخصیت مجرمانه در کودک و نوجوان برچسب خورده

به نظر می‌رسد که در برخورد با جرایم ارتكابی نوجوانان، غالباً با بزهکار و مجرم به معنای واقعی کلمه روبرو نیستیم. بلکه در اکثر موارد صرفاً شیطنتی کودکانه به منظور تفریح و سرگرمی و یا مشکلات اقتصادی و فقدان صلاحیت والدین و چه بسا بزه‌دیدگی خود کودک و نوجوان، وی را به سوی نقض قوانین سوق می‌دهند که در هر دو صورت، راه حل قطعاً شدت عمل و برخورد سختگیرانه و بیجا نیست. حال تصور کنید که صرف نظر از علت، کودک و یا نوجوان مرتکب جرم شود و در جریان مداخله رسمی، یک برچسب منفی مانند معتاد، دزد، بیمار روانی و ... را دریافت نماید و سپس فرآیند الصاق برچسب از سوی خانواده، مدرسه و به طور کلی جامعه نیز، دست در دست مجریان و متولیان نظام عدالت کیفری، تداوم یابد. آنچه که روی می‌دهد، ایجاد نوعی تعهد در فرد نوجوان نسبت به ارتكاب اعمال مجرمانه است، به نحوی که به ارزیابی مجدد هویت خود می‌پردازد و اینجاست که دیگر، نوجوان دارای مشکل نیست، بلکه «بزهکار» است و این برچسب را به عنوان هویت فردی خود می‌پذیرد. فرآیندی که

^۱ Self-Exclusion

^۲ Inferior Self Image

از آن با عنوان «خودبرچسب زنی» یاد می‌شود، (سلیمی و داوری ۱۳۸۰، ۱۲۴).
به عبارت دیگر نوجوان برچسب خورده، خود را از پنجره برچسب الصاق شده می‌نگرد و بر همان اساس هم عمل می‌کند. نمی‌توان انکار کرد که وقتی فرد، به صورت دائم و مستمر، باهوش، بااستعداد و یا بالعکس دردرساز، کودن و بدتر از آن منحرف و یا مجرم توصیف می‌شود، به تلاش برای تطبیق و همانندی با تصویر ارائه شده می‌پردازد. حال نکته اینجاست که اگر تصویر اصلی شخصی، به اندازه کافی قوی نباشد، احتمال پذیرش برچسب و تغییر هویت بیشتر می‌شود. همین مطلب ما را به این نتیجه می‌رساند که کودکان و نوجوانان به جهت برخورداری از شخصیتی تکامل نیافته که بناست در ارتباط و تعامل با افراد و نهادهای جامعه به تعریفی از خود دست یابند، بیشترین صدمه و آسیب را از فرآیند برچسب زنی منفی و به طور خاص آنچه که مورد نظر است یعنی انگ زنی و الصاق برچسب مجرمانه، خواهند دید، (سالاری ۱۳۹۲، ۲۸).

نظام دادرسی اطفال و نوجوانان، به عنوان مجموعه افراد و نهادهایی که در برخورد با ارتکاب جرایم کودک و نوجوان مشارکت دارند، به عنوان مرجع الصاق کننده برچسب مجرمانه، بیشترین نقش را در فرآیند پیش گفته برعهده دارند. چراکه فرد مورد نظر را به خود وی و همچنین به محیط اطرافش به عنوان یک فرد بزهکار معرفی می‌کنند. هرچند که نقش والدین، اولیاء مدارس و سایر افراد مرتبط با کودک و نوجوان نیز در تثبیت شخصیت مجرمانه قابل توجه است.

۲.۳.۲. افزایش احتمال تکرار جرم توسط کودک و نوجوان برچسب خورده

با شکل‌گیری شخصیت بزهکارانه در نوجوان، در پی برچسب زنی مجرمانه، آنچه که «ادوین لمرت»^۱ از آن با عنوان انحراف ثانویه یاد می‌کند، تحقق یافته است. مختصراً می‌توان گفت که انحراف ثانویه عبارت است از پذیرش روانشناختی - اجتماعی برچسب بزهکار (منحرف) توسط فرد که به دنبال ارتکاب یک رفتار مجرمانه، واکنش رسمی و اجتماعی به آن رفتار، الصاق برچسب مجرم و یا بزهکار، ارتکاب اعمال بزهکارانه بیشتر و جدی‌تر از سوی فرد که منجر به واکنش‌های شدیدتر و نهایتاً تثبیت هویت مجرمانه در فرد می‌گردد، ایجاد می‌شود، (سیگل و جوزف ۱۳۷۹، ۳۲۱).

¹ Edwin Lemert

با حصول این نتیجه، ارتکاب اعمال مجرمانه و همانند شدن با بزهکاران، تلاشی است برای تطابق با این هویت جدید. درحقیقت پیش فرض‌های منفی مرتبط با برچسب مجرمانه منجر به ترس و عدم اعتماد همسالان و دیگر اعضای اجتماع در برابر کودک و نوجوان معارض قانون شده و وی از گروه‌های همسالان معمول و عادی طرد می‌شود.

یکی از دلایل مهم ورود مکرر نوجوانان به چرخه بزهکاری، چیزی است که اصطلاحاً جامعه شناسان به آن «ایزوله شدن» می‌گویند. عامل طرد نوجوان از سوی خانواده، یکی از معرف‌هایی است که تأثیر آن بر متغیر تکرار جرم در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته است. کافی است یکبار نوجوان به دلیل ارتکاب خلاف، محکوم شود. از این پس افراد مرتبط با نوجوان و کودک در خانواده، مدرسه و سایر محیط‌ها با پیش فرضی نه چندان خوشایند به وی می‌نگرند، نگاه‌ها عوض می‌شود، اسامی و القابی از سوی همسالان در مورد نوجوان برچسب خورده به کار گرفته می‌شود که دائماً آنچه را که مرتکب شده به وی یادآوری می‌کنند. همین تبعات و عواقب برچسب الصاقیست که هرچه بیشتر، نوجوان را از اجتماع دور کرده و نتیجتاً اصلاح و بازگشت وی به جامعه را غیرممکن و یا متعسر می‌سازند. حال، یک گروه بزهکار قادر است منبعی از حمایت گروهی و احساس تعلق را به نوجوان ارائه دهد. اجتماعی که در آن اعمال بزهکارانه مقبول است و پایگاهی امن به دور از کسانی که به شکلی منفی در برابر بزهکاری واکنش نشان می‌دهند، فراهم می‌کند.

بنابراین، فرآیند برچسب زنی محرکی است که افرادی را که به شکلی مشابه برچسب می‌خورند، به همنشینی با یکدیگر ترغیب می‌کند؛ همنشینی‌ای که معمولاً در چهره خرده فرهنگ‌های مجرمانه یا خرده فرهنگ‌های بزهکاران جوان و نوجوان، جلوه‌گر می‌شود، (سالاری ۱۳۹۲، ۳۰). می‌بینیم که چگونه بدنامی حاصل از الصاق برچسب بزهکارانه به عضویت فرد در گروه‌های مجرمانه منجر می‌شود. فضایی که در آن، این نوجوانان پذیرفته می‌شوند، حمایت شده و هم اکنون با همفکری و همکاری یکدیگر به ارتکاب جرایم جدید و چه بسا خطرناکتر از آنچه سابقاً انجام داده‌اند، می‌پردازند.

۳. روش

۳.۱. روش و ابزار تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ روش، در زمره مطالعات پیمایشی-تحلیلی است. زیرا علاوه بر توصیف واقعیت‌های موجود، به بررسی روابط میان متغیرها برحسب پیش بینی می‌پردازد و به

دنبال تعیین میزان تأثیرگذاری متغیرها بر یکدیگر است. نحوه جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی می‌باشد که با توجه به هر یک از روش‌های فوق ابزار بررسی و نرم افزارهای تجزیه و تحلیل داده‌ها متفاوت است. در روش مطالعات کتابخانه‌ای، از ابزار فیش برداری استفاده شد و همچنین ابزار مطالعاتی روش میدانی پرسشنامه استاندارد است. پرسشنامه مورد استفاده دارای ۱۴ سوال است و به منظور سنجش روایی پرسشنامه، محتوای آن به تأیید اساتید صاحب نظر رسیده است. جهت بررسی پایایی پرسشنامه از روش محاسبه ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است.

متغیر	آلفای کرونباخ
برخورد خانواده	۰/۸۰۵
برخورد مراجع قضایی	۰/۷۲۳

مطابق توضیحات فوق، مقدار آلفای کرونباخ پرسشنامه مورد استفاده در تحقیق حاضر بالاتر از ۰/۷ است که نشانه پایایی بالای پرسشنامه می‌باشد یا به عبارتی دیگر پایایی پرسشنامه تأیید می‌شود.

۳.۲. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌های این تحقیق از روش‌ها یا آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در آمار توصیفی، پژوهشگر با جمع‌آوری و خلاصه کردن اطلاعات کمی حاصل از نمونه‌ها، مشخصات نمونه مورد مطالعه را توصیف می‌نماید. در آمار استنباطی، پژوهشگر از مطالعه و بررسی یک یا چند نمونه و با استفاده از روش‌ها و مدل‌های آماری، از شاخص‌های نمونه و یا از ویژگی‌های نمونه، به ترتیب پارامترها و ویژگی‌های کل جامعه آماری را استنباط می‌نماید. اهم تحلیل‌های استنباطی در این تحقیق عبارت‌اند از:

- آزمون‌های سنجش نرمال بودن کلموگروف اسمیرنوف
- آزمون‌های همبستگی و ضریب تعیین

۳.۳. جامعه و نمونه آماری

معمولاً در هر پژوهش، جامعه مورد بررسی یک جامعه آماری است که پژوهشگر مایل است دربارهٔ صفت یا صفت‌های واحدهای آن به مطالعه بپردازد؛ یا به عبارت دیگر، به آن دسته از

افرادی که به عنوان گروه هدف تحقیق انتخاب می‌شوند؛ جامعه آماری گویند، (بازرگان، ۱۳۸۰، ۲۵).

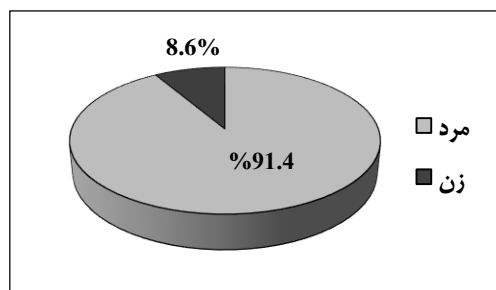
جامعه آماری تحقیق حاضر، نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت استان تهران می‌باشد. تعداد این نوجوانان برحسب اظهارات متولیان کانون روزانه متغیر است و حدود ۲۰۰ نفر می‌باشند. نمونه آماری مورد مطالعه ۳۵ نفر از نوجوانانی است که مرتکب تکرار جرم شده‌اند.

۴. یافته‌ها

۴.۱. تجزیه و تحلیل جمعیت شناختی شرکت کنندگان در پژوهش

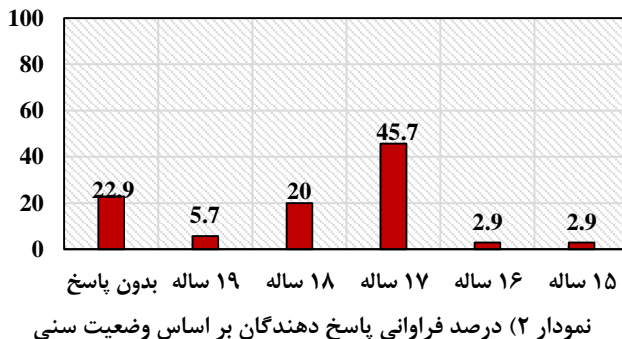
در این نوع تجزیه و تحلیل، پژوهشگر داده‌های جمع آوری شده مربوط به پاسخگویان را با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی خلاصه و طبقه‌بندی می‌کند. این طبقه‌بندی بر اساس متغیرهای جمعیت شناختی نظیر سن، جنسیت و ... خواهد بود و نشان می‌دهد که نمونه انتخابی دارای طیف وسیعی از لحاظ ابعاد مختلف جمعیت شناختی می‌باشد. پاسخگویان به پرسشنامه‌ها، از لحاظ موقعیت و ویژگی‌های جمعیت شناختی، در وضعیت مشابهی قرار داشتند که در نمودارهای ادامه بحث می‌توان به طور خلاصه، وضعیت پاسخگویان را مشاهده نمود.

درصد فراوانی پاسخ گویان از لحاظ تفکیک جنسیت، وضعیت سن، تعداد دفعات زندانی شدن و تعداد دفعات دستگیری توسط پلیس به ترتیب در نمودارهای ۱ تا ۴ قابل بررسی است.

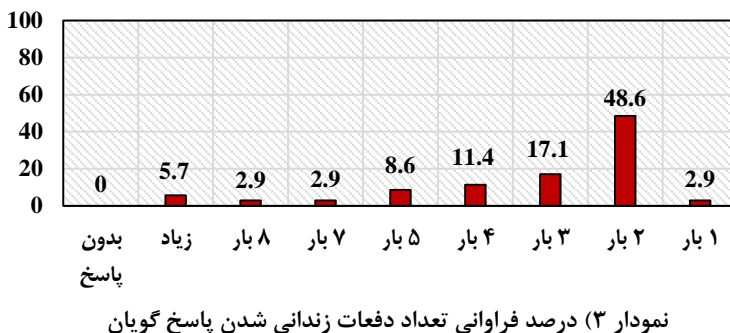


نمودار ۱) درصد فراوانی پاسخ گویان به تفکیک جنسیت

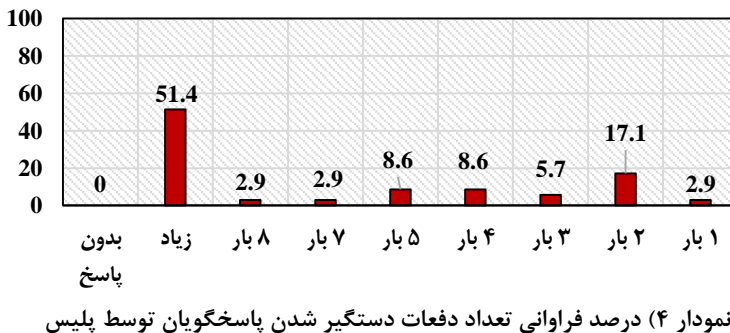
همانطور که قابل بررسی است، مردان حدود ۹۱ درصد پاسخگویان را شامل می‌شوند و زنان نیز در حدود ۹ درصد می‌باشند.



همانطور که در نمودار ۲ قابل مشاهده است، بیشتر از ۴۵ درصد پاسخگویان، ۱۷ ساله بوده‌اند و تنها ۶ درصد پاسخگویان، ۱۵ یا ۱۶ ساله بوده‌اند و حدود ۲۶ درصد نیز ۱۸ ساله و یا ۱۹ ساله بوده‌اند.



همانطور که در نمودار ۳ قابل ملاحظه است، بیشترین تعداد پاسخ دهندگان ۲ بار زندانی شده‌اند و در این میان ۲۰ درصد نوجوانان پاسخ‌گو بالای ۵ بار زندانی شده‌اند.



همانطور که در نمودار ۴ مشهود است، تقریباً ۴۳ درصد از این پاسخ دهندگان کمتر از ۵ بار توسط پلیس دستگیر شده‌اند و در این میان بیشترین آمار مربوط به بزهکارانی است که بیشتر از ۵ بار توسط پلیس دستگیر شده‌اند، که تقریباً ۵۷ درصد از پاسخ دهندگان را شامل می‌شود.

۴.۲. تجزیه و تحلیل استنباطی

در تجزیه و تحلیل استنباطی، همواره محقق با جریان نمونه‌گیری^۱ و انتخاب یک گروه کوچک موسوم به نمونه از یک گروه بزرگ‌تر موسوم به جامعه آماری سرو کار دارد. سپس پژوهشگر به وسیله داده‌ها و اطلاعات حاصله از نمونه، به برآورد و پیشگویی ویژگی‌های جمعیت مورد مطالعه می‌پردازد، (خاکی، ۱۳۸۲). در ادامه بر اساس داده‌های جمع آوری شده، تجزیه و تحلیل استنباطی تحقیق مورد مطالعه انجام گرفته است. هدف از تحلیل استنباطی، تعمیم نتایج حاصله از مشاهدات محقق در نمونه انتخابی خود به جمعیت اصلی می‌باشد که رویکرد این مقاله نیز در استفاده از تحلیل استنباطی چنین است.

به منظور آزمون فرضیات از آزمون‌های پارامتریک (مثل رگرسیون و همبستگی) استفاده شده است، که در آن شرط اول، بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها است. از این رو در ابتدا به بررسی نرمال بودن داده‌های متغیرهای تحقیق پرداخته شده است.

۴.۲.۱. بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها

به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌های متغیرهای تحقیق، از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شده است و نتایج حاصل از آزمون مزبور در جدول-۱ اشاره شده است. هدف از انجام آزمون مذکور همانطور که گفته شد، بررسی ادعای مطرح شده در خصوص توزیع نرمال داده‌های یک متغیر کمی می‌باشد. اگر متغیرها نرمال باشند، از آزمون‌های پارامتریک استفاده می‌شود در غیر این صورت از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده می‌شود.

توزیع داده‌ها نرمال است: H_0
 فرضیات $\left\{ \begin{array}{l} \text{توزیع داده‌ها نرمال نیست: } H_1 \end{array} \right.$

¹Sampling

جدول-۱: نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف

مؤلفه	تعداد	میانگین	آماره آزمون	سطح معناداری
طرد خانواده	35	2.5714	1.251	0.087
تنبیه خانواده	35	2.9143	1.090	0.185
تهمت خانواده	35	2.6571	0.945	0.333
سرزنش خانواده	35	3.0857	1.258	0.86
تحقیر خانواده	35	3.3429	0.945	0.333
تحقیر مأمور انتظامی	35	3.0571	1.156	0.138
توهین مأمور کانون	35	3.1143	1.270	0.79
تحقیر قاضی	35	2.8286	0.921	0.364
توهین مأمور انتظامی	35	3.2286	1.082	0.192
انتظار خلافتکاری از نوجوان	35	2.8571	1.273	0.78
تصور خلافتکاری از خود	35	3.1429	1.042	0.228

نتایج نشان می‌دهد که توزیع داده‌ها در مورد همه مؤلفه‌ها نرمال است. چرا که با توجه به نتایج، سطح معناداری (Sig) همه متغیرها از سطح معناداری 0.05 بیشتر است. بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان، فرض صفر (H_0) رد نمی‌شود و توزیع داده‌ها نرمال است. همچنین مقادیر آماره کلموگروف-اسمیرنوف از مقادیر میانگین جدول کوچکتر است که بر نرمال بودن داده‌ها تأکید دارد.

نرمال بودن داده‌ها به ما می‌گوید که به منظور سنجش فرضیه‌ها، می‌باید از آزمون‌های پارامتریک استفاده شود. به همین خاطر به منظور سنجش همبستگی، از شاخص همبستگی پیرسن استفاده خواهد شد.

۴.۲.۲. بررسی فرضیه‌ها از لحاظ وجود رابطه همبستگی معنادار

در این بخش از مقاله، به بررسی معنادار بودن و میزان همبستگی و رابطه میان پارامترهای مختلف تحقیق پرداخته می‌شود. شایان ذکر است که بمنظور پرهیز از اطاله کلام، تنها به ذکر برخی از مؤلفه‌های برجسب‌زنی رسمی و غیر رسمی که بیشترین همبستگی را در میان سایر مؤلفه‌های تحقیق، با متغیر وابسته تکرار جرم داشته‌اند، بسنده شده است. همچنین میزان موافقت و مخالفت مددجویان درمورد مؤلفه‌های برجسب‌زنی رسمی و غیررسمی در قالب نمودار نمایش داده شده است.

ضریب همبستگی پیرسون^۱ یا ضریب همبستگی، میزان همبستگی خطی بین دو متغیر تصادفی را می‌سنجد. مقدار این ضریب بین ۱- تا ۱ تغییر می‌کند که عدد ۱ به معنای همبستگی مثبت کامل، عدد صفر به معنی نبود همبستگی، و عدد ۱- به معنی همبستگی منفی کامل است. هر چه از عدد صفر به سمت عدد یک نزدیکتر می‌شویم، میزان همبستگی بیشتر می‌شود و در اینجا به منظور سنجش روابط، از آزمون همبستگی پیرسن استفاده شده است.

ضریب تعیین^۲ بیانگر میزان احتمال همبستگی میان دو دسته داده در آینده می‌باشد. این ضریب در واقع نتایج تقریبی پارامتر مورد نظر در آینده را براساس مدل ریاضی تعریف شده که منطبق بر داده‌های موجود است، بیان می‌دارد و عنوان می‌کند چند درصد از متغیرهای وابسته توسط متغیرهای مستقل قابل بیان هستند.

۴،۲،۲،۱. مؤلفه تهمت از سوی خانواده و اطرافیان

جدول ۲- نتایج بررسی آزمون همبستگی، مؤلفه تهمت از سوی خانواده

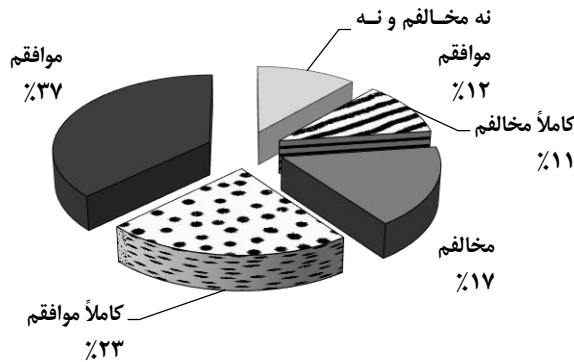
متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	ضریب پیرسن	sig	ضریب تعیین	درجه آزادی
تهمت از سوی اطرافیان	تکرار جرم	35	0.874	0.000	0.763	34

نتایج مندرج در جدول ۲- نشان می‌دهد، رابطه مثبت و معناداری میان تهمت از سوی خانواده و اطرافیان با متغیر وابسته تکرار جرم وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسن برابر با ۰/۸۷۴ می‌باشد که نشان‌دهنده رابطه‌ای از نوع بسیار قوی است که در سطح ۹۹ درصد، معنادار می‌باشد چرا که سطح sig کمتر از ۰/۰۱ گزارش شده است. در نتیجه همبستگی بین متغیرها تأیید و تأثیر دو متغیر برهم به روش رگرسیون آزمون می‌گردد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که میزان ۷۶/۳٪ تغییرات متغیر وابسته (تکرار جرم) را می‌توان تحت تأثیر متغیر مستقل (تهمت از جانب خانواده) دانست.

¹ Pearson correlation coefficient

² Coefficient of Determination

از آنجایی که آمار میزان موافقت با متغیر تهمت، در مقایسه با مخالفت با آن، چشمگیرتر است، این مساله حاکی از تاثیر قابل ملاحظه این متغیر بر تکرار جرم خواهد بود. در نمودار ۵ میزان مخالفت و موافقت مددجویان در مورد متغیر مستقل تهمت از طرف خانواده قابل مشاهده است. حدود ۳۷ درصد از پاسخ دهندگان موافق و ۲۳ درصد از ایشان کاملاً موافق بوده‌اند که پس از محکومیت نخست، از سوی خانواده مورد تهمت قرار گرفته‌اند.



نمودار ۵) درصد فراوانی میزان موافقت یا مخالفت مددجویان در مورد تهمت از طرف خانواده

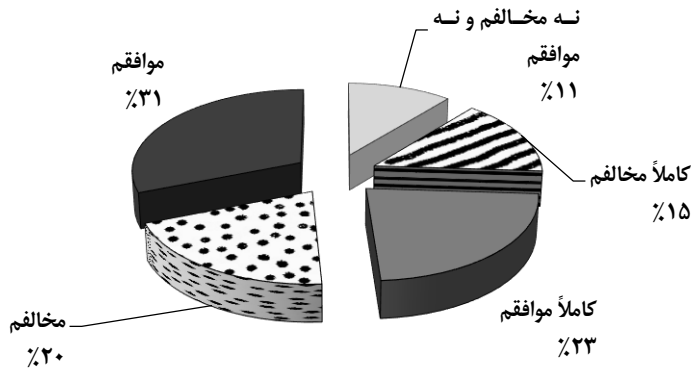
مددجویان، خود براین باور بودند که پس از ارتکاب اولین جرم، از آن پس هرگاه مشکلی در خانواده پیش می‌آمد، سریع انگشت اتهام به طرف آنها بلند می‌شد. به طور مثال اگر یکی از اعضای خانواده شیء با ارزشی را گم می‌کرد، همگی به آن نوجوان که سابقه رفتار خلاف داشته است شک کرده و به وی تهمت دزدی می‌زدند. وقتی نوجوان به این ترتیب انگ می‌خورد، پیش خود می‌گوید وقتی دیگران مرا با این برچسب می‌شناسند، چرا من رفتاری متناسب با آن درپیش نگیرم؟ همین امر باعث گرایش به ارتکاب خلافهای بیشتر در وی خواهد شد.

۴،۲،۲،۲. مؤلفه تصور خلافاکاری از خود

جدول-۳: نتایج بررسی آزمون همبستگی، مؤلفه تصور خلافاکاری از خود

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	ضریب پیرسن	sig	ضریب تعیین	درجه آزادی
تصور خلافاکاری از خود	تکرار جرم	35	0.59	0.000	0.512	34

نتایج مندرج در جدول-۳ نشان می‌دهد رابطه مثبت و معناداری میان تصور خلافاکاری از خود و تکرار جرم وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسن برابر با $0/59$ می‌باشد که نشان دهنده رابطه‌ای از نوع نسبتاً قوی است که در سطح 99% درصد، معنادار می‌باشد چرا که سطح sig کمتر از $0/01$ گزارش شده است. در نتیجه همبستگی بین متغیرها تأیید و تأثیر دو متغیر برهم به روش رگرسیون آزمون می‌گردد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که به میزان $51/2\%$ تغییرات متغیر وابسته را می‌توان تحت تأثیر متغیر مستقل دانست. در نمودار ۶ میزان مخالفت و موافقت مددجویان با مؤلفه تصور خلافاکاری از خود نشان داده شده است. به میزان 31% درصد موافق و 23% درصد کاملاً موافق بوده‌اند که تصور یک فرد خلافاکار را از خود دارند.



نمودار ۶) درصد فراوانی میزان موافقت یا مخالفت مددجویان در مورد داشتن تصور خلافاکاری از خود

افرادی که در معرض مجازات‌های منفی اجتماعی (برچسب‌زنی) قرار می‌گیرند، خودتردیدی و خودانگاره ضعیفی را تجربه می‌کنند. کسانی که خود را به عنوان منحرف می‌بینند، پاسخی درونی به تصورات خود از نحوه احساسات دیگران ارائه می‌دهند. کسانی که بر این باورند دیگران آنان را به عنوان یک فرد منحرف و ضداجتماعی قلمداد می‌کنند، نقش‌هایی را عهده دار می‌شوند که بازتاب مفروضات آنها باشد. نوجوانان انگ خورده ممکن است بعداً به همسالان بزهکار طرد شده مشابهی بپیوندند که تسهیل کننده رفتار آنها هستند. نهایتاً رفتار ضداجتماعی و کجروانه به صورت امر عادی درمی‌آید، زیرا در نظریه برچسب زنی، تصویر منفی یا بزهکارانه فرد از خودش می‌تواند رفتار کجروانه را به دنبال داشته باشد.

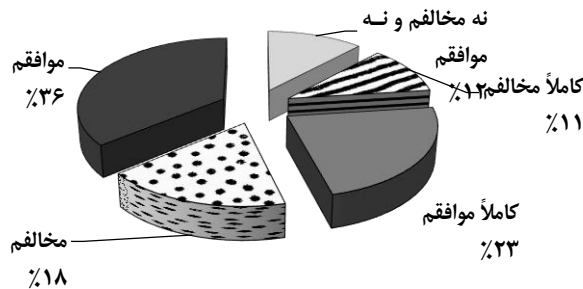
۴،۲،۲،۳. مؤلفه انتظار خلافاکاری از نوجوان در خانواده

جدول-۴: نتایج بررسی آزمون همبستگی، مؤلفه انتظار خلافاکاری از نوجوان در خانواده

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	ضریب پیرسن	sig	ضریب تعیین	درجه آزادی
انتظار خلافاکاری در خانواده	تکرار جرم	35	0.869	0.000	0.761	34

نتایج مندرج در جدول ۴ نشان می‌دهد رابطه مثبت و معناداری میان ارزیابی والدین از فرد و تکرار جرم وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسن برابر با ۰/۸۶۹ می‌باشد که نشان دهنده رابطه‌ای از نوع بسیار قوی است که در سطح ۹۹ درصد، معنادار می‌باشد چرا که سطح sig کمتر از ۰/۰۱ گزارش شده است. در نتیجه همبستگی بین متغیرها تأیید و تأثیر دو متغیر برهم به روش رگرسیون آزمون می‌گردد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که به میزان ۷۶/۱٪ تغییرات متغیر وابسته را می‌توان تحت تأثیر متغیر مستقل دانست.

در نمودار ۷ میزان موافقت و مخالفت مددجویان با مؤلفه انتظار خلافاکاری از نوجوان نشان داده شده است. از آنجایی که آمار میزان موافقت با مؤلفه انتظار خلافاکاری از نوجوان نسبت به مخالفت با آن چشمگیرتر است، این مسأله حاکی از تأثیر قابل ملاحظه مؤلفه مزبور بر تکرار جرم است. به میزان ۳۶ درصد از مددجویان موافق و ۲۳ درصد آن‌ها کاملاً موافق بوده‌اند که پس از محکومیت نخست، خانواده از آنها انتظار خلافاکاری دارد. بدین معنی که ارتکاب خلاف از سوی آنها برای خانواده امری عادی است. هنگامی که خانواده پذیرفته باشد که نوجوان یک مجرم یا خلافاکار است، نوجوان نیز در بازتعریف هویت خویش، خود را به عنوان یک منحرف می‌بیند و از آن پس همانند یک منحرف رفتار می‌کند.



نمودار ۷) درصد فراوانی میزان موافقت یا مخالفت مددجویان در مورد وجود انتظار خلافاکاری در خانواده

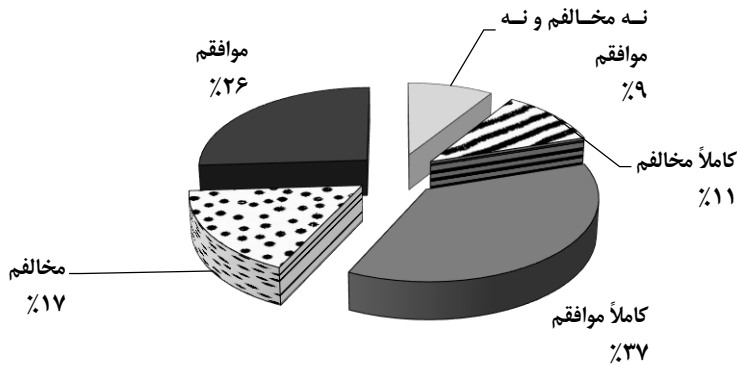
۴,۲,۲,۴. مؤلفه توهین از سوی مأموران نیروی انتظامی

جدول-۵: نتایج بررسی آزمون همبستگی، مؤلفه توهین مأموران انتظامی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	ضریب پیرسن	sig	ضریب تعیین	درجه آزادی
توهین مأموران انتظامی	تکرار جرم	35	0.447**	0.007	0.199	34

نتایج مندرج در جدول-۵ نشان می‌دهد رابطه مثبت و معناداری میان توهین از سوی مأموران انتظامی و تکرار جرم وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسن برابر با ۰/۴۴۷ می‌باشد که نشان دهنده رابطه‌ای از نوع قوی است که در سطح ۹۹ درصد، معنادار می‌باشد چرا که سطح sig کمتر از ۰/۰۱ گزارش شده است. در نتیجه همبستگی بین متغیرها تأیید و تأثیر دو متغیر برهم به روش رگرسیون آزمون می‌گردد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که ۱۹/۹٪ تغییرات متغیر وابسته را می‌توان تحت تأثیر متغیر مستقل دانست.

در نمودار ۸ میزان مخالفت و موافقت مددجویان با مؤلفه توهین از سوی مأموران نیروی انتظامی نشان داده شده است. برتری نسبی آمار میزان موافقت با مؤلفه توهین مأموران انتظامی نسبت به میزان مخالفت با آن، نشان دهنده وجود تأثیر هرچند محدود متغیر مستقل بر تکرار جرم می‌باشد. به میزان ۲۶ درصد از پاسخ دهندگان موافق و ۳۷ درصد کاملاً موافق بوده‌اند که مأموران انتظامی به آنها توهین کرده‌اند. بنا به گفته مددجویان، مأموران انتظامی به هنگام دستگیری برخوردی محترمانه با آنها نداشته و با الفاظی زشت و رکیک آنها را مورد اهانت قرار می‌دادند. برخورد اولیه پلیس در خصوص نوجوانان بزهکار می‌تواند تأثیر عمیقی در روحیه آنان باقی گذارد. چنانچه این رفتار مثبت باشد و با احترام و خونسردی، اشتباه آنان را گوشزد کنند، ممکن است از عمل خویش اظهار ندامت کنند. خشونت و توهین، حس انتقام جویی و سرکشی را تقویت می‌کند و احتمال برچسب زنی به رفتار طفل یا نوجوان را افزایش می‌دهد.



نمودار ۸) درصد فراوانی میزان موافقت یا مخالفت مددجویان در مورد توهین ماموران انتظامی

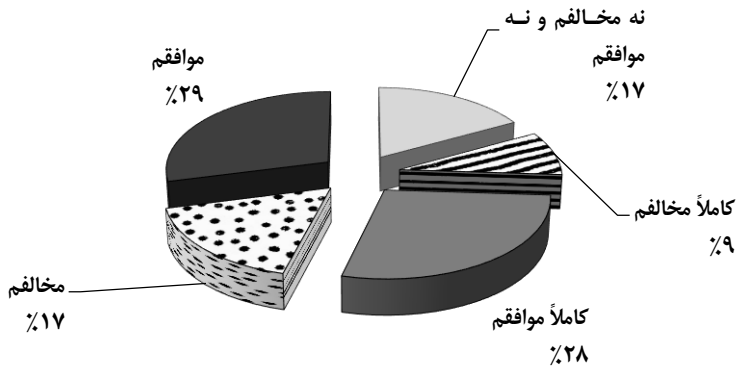
۴،۲،۲،۵. مؤلفه تحقیر نوجوان توسط قاضی

جدول ۶- نتایج بررسی آزمون همبستگی، مؤلفه تحقیر و تمسخر قاضی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	ضریب پیرسن	sig	ضریب تعیین	درجه آزادی
تحقیر و تمسخر قاضی	تکرار جرم	35	0.39	0.008	0.152	34

نتایج مندرج در جدول ۶- نشان می‌دهد رابطه مثبت و معناداری میان تحقیر و تمسخر توسط قاضی و تکرار جرم نوجوانان بزهکار وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسن برابر با ۰/۳۹۰ می‌باشد که نشان‌دهنده رابطه‌ای از نوع متوسط است که در سطح ۹۹ درصد، معنادار می‌باشد چرا که سطح sig کمتر از ۰/۰۱ گزارش شده است. در نتیجه همبستگی بین متغیرها تأیید می‌گردد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که ۱۵/۲٪ تغییرات متغیر وابسته را می‌توان تحت تأثیر متغیر مستقل دانست.

در نمودار ۹ میزان موافقت و مخالفت مددجویان در خصوص ارتباط میان تکرار جرم با مؤلفه تحقیر توسط قاضی مشاهده می‌شود. بالغ بر نیمی از پاسخ دهندگان با این مقوله موافق یا کاملاً موافق بوده‌اند و در حدود کمتر از ۵۰ درصد پاسخ دهندگان مخالفت خود را اعلام نمودند. برتری نسبی آمار میزان موافقت با مؤلفه تحقیر توسط قضات نسبت به میزان مخالفت با آن، نشان‌دهنده وجود تأثیر هرچند محدود مؤلفه تحقیر بر تکرار جرم می‌باشد.



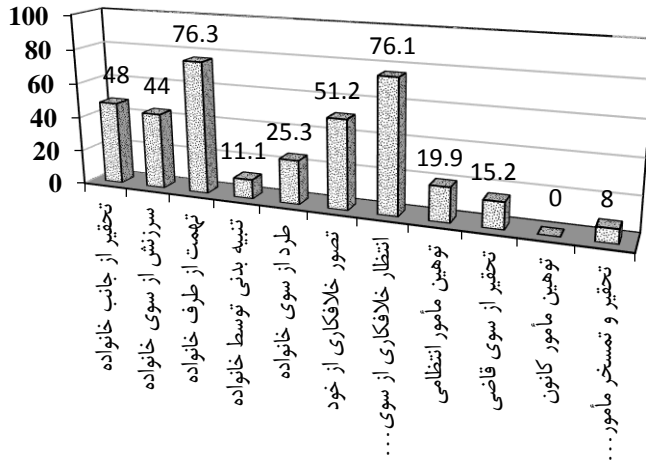
نمودار ۹) درصد فراوانی میزان موافقت یا مخالفت مددجویان در مورد تحقیر و تمسخر توسط قاضی

در حقیقت رفتن به دادگاه و به سختی از سوی قاضی سرزنش و تحقیر شدن و خوانده شدن اتهامات و مجرم شناخته شدن بعد از جریان محاکمه برای نوجوانانی که مرتکب قانون شکنی شده، شرایطی هستند که احتمال پذیرش برچسب بزهکاری را به عنوان هویت شخصی افزایش می‌دهد. بیان مطالبی با هدف مرعوب و منکوب کردن شخصیت نوجوان و به کارگیری واژه‌های تحقیرکننده توسط قضات که برخلاف کرامت انسانی است، فرد را از نظر روان شناسی به سمت کسب هویت و شخصیت مجرمانه سوق می‌دهد.

به طور کل، می‌توان نتایج حاصل از آزمون همبستگی میان متغیرهای مستقل مورد مطالعه

را با متغیر وابسته (تکرار جرم) در قالب نمودار ۱۰ نیز بررسی نمود.

در نمودار ۱۰ خط افقی معرف متغیرهای مستقل مورد مطالعه در مقاله حاضر و خط عمودی نشان دهنده میزان درصد همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (تکرار جرم) و بر اساس نظر جامعه آماری مورد مطالعه می‌باشد. نتایج نشان دهنده بیشترین همبستگی میان متغیر مستقل تهمت از سوی خانواده جامعه آماری با متغیر وابسته تکرار جرم می‌باشد. از نظر جامعه آماری مورد مطالعه متغیرهای توهین ماموران کانون با مقوله تکرار جرم همبستگی ندارد. لکن متغیرهای تهمت از طرف خانواده و انتظار خلافکاری از جانب خانواده بیشترین تاثیر را بر تکرار جرم داشته‌اند.



نمودار ۱۰) درصد همبستگی بین متغیرهای مستقل مورد مطالعه با متغیر وابسته (تکرار جرم)

۵. نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از بررسی میزان همبستگی میان مولفه‌های پژوهش با متغیر وابسته حاکی از آن است که در فرضیه نخست که عبارت بود از اینکه خانواده و به طور کلی اطرافیان با تحقیق، سرزنش، تهمت و طرد نوجوان بزهکار در تکرار جرم آنها نقش دارند، مطابق جدول ذیل:

جدول ۷- نتایج بررسی آزمون همبستگی در فرضیه نخست

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	ضریب پیرسن	sig	ضریب تعیین	درجه آزادی
نحوه برخورد خانواده و اطرافیان	تکرار جرم	35	0.492	0.002	0.242	34

نتایج مندرج در جدول ۷- نشان می‌دهد رابطه مثبت و معناداری میان نحوه برخورد خانواده و اطرافیان و تکرار جرم وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسن برابر با ۰/۴۹۲ می‌باشد که نشان دهنده رابطه‌ای از نوع قوی است که در سطح ۹۹ درصد، معنادار می‌باشد چرا که سطح sig کمتر از ۰/۰۱ گزارش شده است. در نتیجه همبستگی بین متغیرها تأیید می‌شود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که ۲/۲۴٪ تغییرات متغیر وابسته را می‌توان تحت تأثیر متغیر مستقل دانست.

در فرضیه دوم که عبارت بود از اینکه: مقامات قضایی و اجرایی عدالت کیفری در تکرار جرم نوجوانان بزهکار تأثیر دارند مطابق جدول ذیل:

جدول-۸: نتایج بررسی آزمون همبستگی در فرضیه دوم

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	ضریب پیرسن	sig	ضریب تعیین	درجه آزادی
نحوه برخورد مقامات قضایی و اجرایی	تکرار جرم	35	0.345	0.37	0.119	34

نتایج مندرج در جدول ۸ نشان می‌دهد رابطه مثبت و معناداری میان نحوه برخورد مقامات قضایی و اجرایی با تکرار جرم نوجوان بزهکار وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسن برابر با ۰/۳۴۵ می‌باشد که نشان دهنده رابطه‌ای از نوع متوسط است که در سطح ۹۵ درصد، معنادار می‌باشد چرا که سطح sig کمتر از ۰/۰۵ گزارش شده است. در نتیجه همبستگی بین متغیرها تأیید و تأثیر دو متغیر برهم به روش رگرسیون آزمون می‌گردد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که ۱۱/۹٪ تغییرات متغیر وابسته را می‌توان تحت تأثیر متغیر مستقل دانست.

یافته‌های حاصل از این پژوهش با برخی مطالعاتی که نظریه برچسب زنی را تأیید می‌کنند، منطبق است. از جمله با مطالعات استیوارت و همکاران (۲۰۰۲) که برچسب‌های والدین و تأثیر آن بر بزهکاری جوانان را سنجیده است و نتایج آن نشان می‌دهد که گسست فرزندان از خانواده در نتیجه برچسب زنی، از عوامل سوق دادن آنها به بزهکاری‌های آتی می‌شود. همچنین همسو با مطالعات فریزر و کوکران (۱۹۸۶) است که به بررسی مداخله قضایی بر زندگی نوجوانان و تأثیر آن بر بزهکاری‌های بعدی پرداخته‌اند. نتایج به روشنی تأثیر فرآیند برچسب زنی را بر بزهکاری جوانان نشان می‌دهد.

در پایان باید گفت که با توجه به اهمیت بروز بدنامی در تغییر شخصیت و زندگی افراد به خصوص در مورد اطفال و نوجوانان، باید به عدم دریافت برچسب به این افراد توجه داشت و از آنجایی که برچسب زنی جزئی از مجازات است، برچسب زدایی نیز باید اجرا شود. به این معنی که بعد از مراسم بدنامی و بی‌آبرویی به مراسم «برون‌آیی» که در آن برچسب‌های بد سابق به برچسب‌هایی جدید و خوب (یا حداقل خنثی) تبدیل شوند، نیازمندیم.

۶. منابع و مأخذ

- ۱- اسماعیلی، علی. بررسی رابطه برچسب کجرو و تحریم اجتماعی با تکرار جرم در بین نوجوانان مقیم زندان تبریز. پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه آزاد واحد رودهن. ۱۳۸۵-۱۳۸۴
- ۲- آشوری، محمد. (۱۳۹۲). عدالت کیفری (۲). تهران: دادگستر
- ۳- خلیلی عمران، میثم. ۱۳۹۲. نقش فرآیند کیفری در پیشگیری از جرم و تکرار آن. مطالعات پیشگیری از جرم. شماره ۲۶
- ۴- زهر، هوارد. (۱۳۸۳). کتاب کوچک عدالت ترمیمی. ترجمه حسین غلامی. تهران: مجد
- ۵- سالاری، آزیتا، (۱۳۹۲) مبانی، اصول و راهکارهای منع برچسب زنی در دادرسی کیفری کودکان و نوجوانان معارض قانون. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی
- ۶- ستوده، هدایت الله. (۱۳۷۶). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). تهران: آوای نور
- ۷- سلیمی، علی و داوری، محمد. (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی کجروی (کتاب اول مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی). قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه
- ۸- سیگل، لری و سنا، جوزف. (۱۳۷۹). دو نظریه واکنش اجتماعی؛ برچسب زنی و تعارض. ترجمه جعفر محمدپور. امنیت (معاونت امنیت وزارت کشور). شماره ۱۱ و ۱۲
- ۹- صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۹۰) آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی). تهران: سمت
- ۱۰- عبدی، عباس. (۱۳۷۱) آسیب‌شناسی اجتماعی: تاثیر زندان بر زندانی. تهران: نور
- ۱۱- غلامی، حسین. (۱۳۸۲) تکرار جرم (بررسی حقوقی - جرم‌شناختی). تهران: میزان
- ۱۲- قدیری، مریم. تاثیر فرآیند عدالت ترمیمی در رسیدگی به جرایم اطفال. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، ۱۳۸۸
- ۱۳- کشفی، سعید. ۱۳۸۷. نقش پلیس در دادرسی کودکان و نوجوانان. دانش انتظامی. شماره ۳۸.
- ۱۴- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. ۱۳۸۸. کیفرشناسی نو- جرم‌شناسی نو. تازه‌های علوم جنایی.

- 16- Charles Horton Cooley (2009), **Human Nature and Social Order**, translation Publishers.
- 17- D.krohn, Marvin & Jon Gunnar, Bernburg (2006), **official labeling, criminal embeddedness, and subsequent delinquency**. Journal of research in crime and delinquency.
- 18- Hartjen, Clayton A. (1943), **Youth, crime, and justice** .Rutgers University press.
- 19- Hayes, Hennessy Duane (1994), **From Good to bad: Examination of the Movement in to juvenile Delinquency**; PhD. Thesis. The Tulane University.
- 20- Henderson, Tara Leigh La (1997), **the effect of getting caught: putting the Labeling theory to the Empirical Test**, PhD. Thesis. The University of Guelph.
- 21- Kurlychek, Megan & Thomas, Bernard. (2010), **the cycle of juvenile justice** .oxford University press.
- 22- Liu, Xiaoru (2000), the conditional Effect of peer Groups on the Relationship between parental Labeling and Delinquency; **sociological perspective**.
- 23- Tapia, Mike (2011),” juvenile Arrests: Gang Membership, social class, and labeling Effects”, **Youth & society**.